



مقطع تحصیلی: کاردانی □ کارشناسی □ رشته: نقاشی...ترم: ۲...سال تحصیلی: ۱۳۹۸-۱۳۹۹
نام درس: مبانی رنگ نام و نام خانوادگی مدرس: شیما گلچین.....
آدرس email مدرس: تلفن همراه مدرس: ۰۹۱۲۳۳۶۱۶۹۴

جزوه درس:مبانی رنگ... مربوط به هفته : اول □ دوم □ سوم □ چهارم □
text: دارد □ ندارد □ voice: دارد □ ندارد □
تلفن همراه مدیر گروه : ۰۹۳۸۲۷۸۰۰۵۲
power point: دارد □ ندارد □

بسمه تعالی

مبانی رنگ

هماهنگی رنگها (هارمونی) :

معمولاً علی‌رغم نظریه پردازی هایی که راجع به رنگ ها و روابط متقابل آنها با یکدیگر وجود دارد، نحوه انتخاب و ترکیب رنگها در یک اثر تجسمی بر اساس تجربه هنرمند صورت می‌گیرد. وقتی به آثار هنرمندان مختلف توجه کنیم ، مشاهده می شود که از نظر به کار بردن رنگ همه آنها دارای موفقیت‌هایی هستند اگرچه تفاوت های بسیار زیادی در نوع و چگونگی به کار گرفتن رنگ ها وجود دارد رنگ های به کار گرفته شده در آثار نقاشان دوره رنسانس دارای نوعی از هماهنگی است که بیش از هر چیز تکیه بر ایجاد تعادل بصری میان خاکستری های رنگی و تیرگی_ روشنی رنگ ها دارد.

در آثار نقاشان امپرسیونیست نوع دیگری از هماهنگی وجود دارد که بیشتر متکی به تأثیرات بصری و روابط متقابل کلیه رنگ های سرد و گرم است. در آثار نقاشان پس از امپرسیونیسم نیز هنرمندان به روش های مختلفی برای ایجاد هماهنگی میان رنگ‌ها کوشیده‌اند.

زیبایی تحسین برانگیز و ارتباط متعادل رنگ ها در آثار نقاشان ایرانی به نحو دیگری روابط موزون و متعادل رنگها را به نمایش می گذارد. این تجارب گوناگون نشان می‌دهد که هنرمندان بسته به شیوه و روش کار خود سعی کرده اند در همه حال تعادل بصری و هماهنگی میان رنگ‌های آثار خود را مورد توجه قرار دهند.

معمولاً اعتقاد عمومی بر این است که رنگ هایی که با یکدیگر دارای کنتراست نیستند، رنگهای هماهنگی هستند. آن رنگ ها عبارتند از :

۱) رنگ های یک خانواده رنگی که با یکدیگر دارای خصوصیات رنگی مشترکی هستند. مثل گام‌های مختلف رنگ قرمز که با سفید و یا با سیاه یا با مکمل خود مخلوط شده‌اند.



۲) رنگهایی که از نظر تیرگی و روشنی دارای ارزش های مشابهی هستند.

۳) گاهی نیز علاقه شخصی افراد به برخی از رنگها دلیل هماهنگ بودن یا هماهنگ نبودن رنگهای یک ترکیب محسوب می شود.

این همه اگرچه عقاید عمومی در خصوص هماهنگ بودن رنگ ها را نشان می دهد، اما واقعیت این است که ایجاد هماهنگی به معنای ایجاد تعادل بصری و رابطه متناسب میان رنگهای یک ترکیب است، به طوریکه برای چشم از نظر بصری خوشایند و خشنود کننده باشد. در بخش مربوط به کتراست اشاره شد که معمولاً چشم با دیدن یک رنگ، مکمل آن را طلب می کند و در صورتی که رنگ مکمل را نبیند، آن را به طور ذهنی می سازد و احساس می کند . بنابراین ایجاد هماهنگی میان رنگها بر اساس ساختار طبیعی و کارکرد چشم و ارتباط ذهنی و روانی ما با رنگها است.

از نگاهی دیگر رنگ هایی که مخلوط شدن یا ترکیب کردن آنها با هم نتیجه ای مشابه اختلاط سه رنگ اصلی با یکدیگر داشته باشند، یعنی ایجاد خاکستری تیره کند، می توانند در مجاورت با یکدیگر تعادل و هماهنگی رنگ به وجود آورند. البته ایجاد هماهنگی به هیچ وجه به طور مکانیکی صورت نخواهد گرفت بلکه بر اساس رعایت موارد زیر می باشد :

۱) تجربه و شناخت هنرمند از روابط میان رنگها

۲) متناسب بودن وسعت سطح رنگ ها نسبت به یکدیگر

۳) رعایت درجه خلوص و درخشش آنها نسبت به یکدیگر

۴) متناسب بودن جهت و شکل رنگ ها نسبت به یکدیگر

آنچه در خصوص هماهنگی و ارتباط بصری متعادل میان رنگهای یک ترکیب گفته شد، به معنای آن نیست که ارزش یک اثر هنری صرفاً مربوط به وجود هماهنگی یا روابط متعادل میان رنگ های آن است. زیرا در بسیاری از آثار هنری ممکن است چنین تعادلی وجود نداشته باشد.

مثل بسیاری از نقاشان اکسپرسیونیست و فوویست که در آنها شدت تاثیر بصری رنگ ها بیش از سایر عناصر تجسمی تخیلات و تصورات مخاطب را برمی انگیزد. بنابراین در این دسته از آثار قدرت بصری و بینایی رنگ ها نقش اصلی را خواهد داشت و نه تعادل بصری رنگ ها با یکدیگر.

بر اساس توضیحاتی که داده شد رنگ هایی که اختلاط آن ها با یکدیگر نتیجه ای مشابه مخلوط کردن سه رنگ اصلی با هم دارد، یعنی ایجاد خاکستری می کنند، می توانند ارتباط متعادلی از نظر بصری با یکدیگر داشته باشند.



رنگ‌ها را به روی چرخه ۱۲ رنگی به چهار صورت می‌توان نشان داد:

- ۱) سه رنگی که در سه گوشه یک مثلث متساوی الاضلاع روی چرخه رنگ قرار می‌گیرند. مثل رنگ های زرد، قرمز، آبی و هر سه رنگ دیگری که چنین مثلثی را به روی چرخه بسازد.
- ۲) سه رنگی که در سه گوشه یک مثلث متساوی الساقین روی چرخه رنگ قرار بگیرند. به عبارت دیگر یک رنگ و دو رنگی که در دو طرف مکمل آن رنگ قرار گرفته اند. مثل رنگ‌هایی که سه گوشه زرد، قرمزبنفش، بنفش آبی را می‌سازند و هر سه رنگ دیگری که روس چرخه رنگ مثلث متشابهی را تشکیل دهند.
- ۳) چهار رنگی که چهار گوشه یک مربع را روی چرخه رنگ تشکیل می‌دهند. مثل رنگ‌های که چهارگوش زرد، قرمز نارنجی، بنفش، سبز آبی را به روی چرخه نشان می‌دهند و هر چهار رنگ دیگری که مربع مشابهی را ایجاد کنند.
- ۴) چهار رنگی که چهار گوشه یک مستطیل را روی چرخه رنگ تشکیل می‌دهند. مثل زرد نارنجی، سبز زرد، قرمز بنفش، بنفش آبی و هر چهار رنگ دیگری که مستطیل مشابهی را روی چرخه رنگ ایجاد کند.

در واقع هر سه رنگ یا چهار رنگی که بتوانند سه گوشه یا چهارگوشه‌های مشابه توضیحات قبل را روی چرخه رنگ تشکیل بدهد به دلیل اینکه اختلاط آنها با یکدیگر ایجاد خاکستری می‌کند می‌توانند روابط متعادل رنگینی را از نظر بصری با یکدیگر به وجود بیاورند.

